

# تاریخ مطبعه و مطبوعات ایران

بقلم آقای میرزا محمد علی خان تربیت  
نماینده محترم مجلس

-۱-

اگرچه عمل طبع قرن‌ها قبل از گوتنبرگ در ممالک آسور و چین و در قرن دوازدهم میلادی در هولاند و اندلس بالوحه‌های محکوک و منقور شروع شده و در اواخر قرن سیزدهم میلادی هم بفرمان کیهان و خان درغالب نقاط ایران چاوخانه‌های متعدد دایر و کاغذهای مربع مستطیلی باسم چاو طبع شده که کلمه چاپ را در زبان پارسی از این لفظ گرفته و استعمال کرده اند ولی صنعت طبعی که حالیه در تمام عالم بشکل کنونی معمول و متداول گشته یکی از کشفیاتی است که مبدأ قرون جدید و منشاء ترقیات عصر حاضر بوده و تمام شرف و افتخار آن عاید و منسوب بمختر عیش گوتنبرگ است که هیکل لایموت وی زینت چاپخانه‌های بزرگ دنیا است.

گوتنبرگ پس از بیست سال زحمت در سنه ۱۴۵۳ میلادی (۸۵۷ هـ) بتاسیس اولین مطبعه خود موفق گردید و این دستگاه وی تا اواخر قرن پانزدهم در اغلب شهرهای اروپا دائر شده است و در اواخر قرن هفدهم میباید که نمونه‌ای از آن دستگاه در مملکت ایران تاسیس یافته است.

در تاریخ ۱۶۰۴ مسیحی موافق ۱۰۱۳ هجری شاه عباس کبیر که آرامنه جلفا و ماواراء رودخانه ارس را بشهر اصفهان کوچانیده و جاداد جمعیت‌های مختلف از هیئتهای روحانی بجهت تبلیغات مذهب کاتولیک رو بطرف ایران حمله آورده و جا گرفته اند. پادریان کارملیت که یکی از آنهاست در سنه ۱۶۰۴ به بصره وارد و پس از ۱۹ سال اقامت باصفهان رفته اند و بعضی از آنها پس از یاد گرفتن زبان پارسی تألیفات مفید و سودمند نوشته و منتشر ساخته اند.

از آن کدشها شخصی است بنام آنژ دوسن ژوزف «Ange de Saint Joseph» که در ۱۶۶۰ بایران آمده و از جمله تألیفاتش تاریخ ایران و مرکبات طبی ایران است که با مرلوی چهاردهم دربارس (۱۶۷۱) چاپ شده و اوفصول بقراط را از لسان لاتین به پارسی ترجمه کرده و لغات و تعبیرات پارسی آن زمان را نیز بالسنه ایتالیائی و لاتینی و فوناسوی ترجمه و تألیف کرده که باندازه ۴۷۴ صفحه در سنه ۱۶۸۴ درامستر دام چاپ شده است. در این کتاب در تحت عنوان

کلمات باصمه کردن، قالب زدن، طبع نمودن، منطبع گردانیدن، باصمه خانه، چاپخانه باصمه چی چنین نوشته است: «حضرات پادریان کار ملیط میدانی میربصمه خانه عربی وبارسی در عبادتخانه خودشان در اصفهان برپا و دائر کرده بودند و هنوز دارند و ارامنه نیز در جلفه بصمه ارمنی دارند» و برحسب نگارش تا ورنیه یکنفر از ارامنه جلفا نیز که یعقوب ژان نام داشته و نجار بوده است در تاریخ ۱۶۶۱ مطبعه ای از اروپا بجلفا آورده و بعضی رسائل ادعیه و اوراد مذهبی در آن دستگاه طبع رسانیده است و قبل از ورود آن مطبعه کتابی در جلفای اصفهان بعنوان «Vark Harantz - حیات اجداد روحانی» نیز چاپ شده که حروف آن مطبعه بهمت و دستیاری خاچاطور خلیفه ارامنه ساخته شده و الحال نسخه از آن کتاب در کلیسای آنجا با نمونه حروف برنجی باندازه یک و جب موجود و کاغذهای آن نیز از معمولات خود اصفهان است.

پس نظر باین تاریخچه آلات و افزار مطبعه سیصد و اند سال قبل از این در ایران تأسیس یافته است ولی بواسطه بعضی از حوادث و وقایع و تغییرات و تبدلاتی که در اواخر سلسله صفویه و بعد از آنها بعمل آمده است در این خصوص هیچ پیشرفتی نشده و حتی چرخهای مطابع مزبوره نیز از کار افتاده و بکلی عاطل و باطل مانده و شاید تا اوایل قاجاریه شکل و صورت مطبعه نیز از خاطر کسی خطور نکرده است.

در تاریخ ۱۲۱۳ عباس میرزا نایب السلطنه که مروج علوم و ادبیات مجلی بود و در عشق سرشار بتواریخ و سیر داشته است از طرف فتحعلی شاه بحکمرانی آذربایجان منصوب گشته و بسیاری از علماء و ادباء و ارباب ترجمه و تالیف و استادان صنایع و فنون را بدور خود جمع کرده و صنعت طبع را بالخصوص مورد توجه قرار داده است و اشخاص زیادی هم بامر و تشویق وی مطبعه های متعدد از سرب و سنگی به تبریز وارد و دائر کرده اند که معروفترین آنها آقازین العابدین تبریزی و میرزا صالح شیرازی میباشند. این میرزا صالح همان شخص است که بامیرزا جعفرخان مشیرالدوله و سه نفر دیگر بامر نایب السلطنه بلندن رفته و تحصیل کرده اند، چنانکه مشارالیه در سیاحت نامه ای که در این مسافرت نوشته است می گوید در موقع مراجعت بتبریز (۱۲۳۴) مطبعه ای نیز همراه خود آورده است و بعد از مدتی که جزو سفارت فوق العاده بلندن و بطر - سبورغ رفته چندین دستگاه دیگر نیز بتبریز وارد کرده است که بعد از مدتی بعضی از

آنها را بشهر طهران برده و در آنجا دایر کرده اند و لذا اسامی این دو نفر در خاتمه مطبوعات سربی و سنگی اولیه تبریز و طهران ثبت و رسم شده و هر دو شخص محترم در صحنه طبع ایران خدمات شایان تقدیر بخرج داده اند. عباس میرزا علاوه ترغیب و تحریص مردم و آوردن مطبعه بعضی از استادها نیز از فرنگستان برای عمل طبع مانند برحیس صاحب انگلیسی استخدام نموده است که مدتها در تبریز مباشر عمل طبع گشته و بعد از فوت نایب السلطنه (۱۲۴۹) بطهران رفته و در آنجا مباشر روزنامه ها شده است و چنانکه در منتظم ناصری مینویسد تا سال ۱۲۷۰ مباشر روزنامه ها بود و در این تاریخ با میرزا عبدالله روزنامه نویس بخلعت همایون سرافراز گردیده اند بالجمله چنانکه گفته شد مطابع متعددی در سنوات عشر رابع قرن سیزدهم هجری در تبریز و در سنوات عشر خامس همین قرن در طهران دایر گردیده و نسخ زیادی در هر یک از آنها چاپ شده است. نگارنده بطور بعضی از نشریات آن مطابع را که خود دیده و دارم ذیلا نقل مینمایم: میرزا عیسی قائم مقام بزرگ که در تاریخ ۱۲۲۰ تبریز آمده و در تاریخ ۱۲۳۸ در آنجا مرحوم شده است دو رساله کوچک و بزرگ در آن تواریخ راجع بجهاد تالیف فرموده اند، رساله کوچکش بفاصله پانزده ماه دو مرتبه در مطبع تبریز چاپ شده و در آخر آنها چنین نوشته اند:

قد تم الكتاب الجهادیه علی يد اضعف العباد محمد علی بن محمد حسین الاشتیانی  
المأمور بعمل الطبع من الدولة القاجاریه فی دار الطباع الواقعة فی بلدة تبریز بتاريخ  
خمس و عشرين شهر رمضان المبارك سنة ۱۲۳۳ هجره .

قد تم الكتاب الجهادیه علی يد اقل الخلائق العبد المذنب المراحی المحتاج  
عفوربه الکریم زین العابدین بن ملک محمد التبریزی المأمور من الدولة القاجاریه فی دار  
الانطباع الواقعة فی دار السلطنه تبریز فی يوم ثلثاء سابع شهر ذی الحجة الحرام اربع  
وثلاثین و مائین بعد الالف من الحجرة النبویه .

حروف سربی که در این دو رساله بمصرف رسیده است خیلی متفاوت بوده است، اولی درشت و غیر مرغوب و دومی بعکس آن مرغوب و خوب است .  
میرزا زین العابدین مأمور طبع بدرجه در این کار زحمت کشیده و شهرت

پیدا کرده است که در تاریخ ۱۲۴۰ بامر فتحعلی شاه از تبریز بطهران رفته و ملا محمد باقر بجای وی معین گشته و بدستیاری مشارالیه یکی از تالیفات عبدالرزاق دنبلی بعنوان مآثر سلطانی در تبریز بطبع رسیده و در خاتمه آن چنین رقم شده است: «این نسخه جدید که موسوم به مآثر سلطانی است در دارالانطباع دارالسلطنه تبریز باهتمام کار گذاران سرکار ولیعهد سعید و استادی جناب ملا محمد باقر که از معارف این ولایت است بتاريخ اواخر شهر رجب المرجب سنه هزار و دو بیست و چهار و یک هجری شرف اتمام و احتتام پذیرفت - سواى این کتاب در دارالخلافه طهران میرزا زین العابدین تبریزی و اهتمام منوچهر خان مجلدات از کتب حدیث باسمه کرده است.»

در سنه ۱۲۳۸ میرزا جعفر معروف بامیر نیز یک دستگاه مطبعه سربى بتبریز وارد کرده که در تاریخ ۱۲۴۰ يك نسخه گداستان شیخ سعدی در آن مطبعه چاپ شده است. از جمله مطبوعات تبریز يك رساله کوچکی نیز هست که بعنوان (تعلیم نامه در اعمال آبله زدن) چاپ شده و در خاتمه آن چنین نوشته اند: «حسب الامر نواب اشرف والا روحنا فداء کمترین بنده دعا گو ناظم امور بسمه خانه دارالسلطنه تبریز علی بن الحجاج محمد حسین المرحوم الشهین بامین الشرع ... در تاریخ ۲۳ شعبان المعظم من سنه هزار و دو بیست و چهار و پنج هجری انطباع و انتقاش نسخ رساله صورت اتمام پذیرفت.»

این رساله تألیف کارمک انگلیسی است و ترجمه میرزا محمد بن عبدالصبور معروف (پدر ناصر الحکماء) خوئی است که کتب زیادی ترجمه و تألیف کرده است و این طبیب انگلیسی اول کسی است که عمل آبله زدن جدید را در تاریخ ۱۲۲۸ در تبریز معمول و متداول ساخته است.

اما آقا زین العابدین بعد از ورود بطهران با منوچهر خان معروف «آن کلبو» آشنا شده و بهمت و کوشش وی نسخ زیادی از دستگاه طبع بیرون ریخته منتشر ساخته اند و منوچهر خان یکی از رجال معروف عهد فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بوده و جد پنجم وی میرزا سهراب چون در غالب السنه و لغات معموله مهارت داشته است بآن مناسبت خانواده وی به (آن کلبو) که در لغت گرجی بمعنی صندوق لغات و السنه میباشد شهرت یافته اند. شخص وی بجهت خدمات برجسته که در عمل طبع بکار برده از

طرف دولت و ملت فوق العاده مورد توجه واقع شده است زیرا که بس از فوت میرزا عبدالوهاب خان نشاط (۱۲۴۴) از طرف دولت ب لقب معتمد الدوله مفتخر و سرافراز گردیده و بیشتر از صد نفر هم از سخنوران آن عصر قصاید و قطعاتی در مدح و توصیف وی بنظم آورده اند. میرزا محمدعلی متخلص بهار مؤلف یخچالیه یکی از آنهاست که کتابی بعنوان مدایح معتمد مشتمل بشرح حال او و اوصاف وی مدون ساخته و در آنجا چنین گفته است: «از جمله اوصاف منوچهر خان آنکه در نشر احکام سید انام و بسط قواعد اسلام چنان ساعی و شایق بوده که بقدریست هزار تومان اخراجات نموده و مقدار هشتصد هزار جلد کتاب در احکام شرعی و فرعیه چاپ فرموده و بدست خاص و عام انداخته است.» از تاریخ ۱۲۴۰ هجری تا سنه ۱۲۶۳ که منوچهر خان در حیات بوده است کلیه مطبوعات ۲۳ ساله طهران بنام وی زینت یافته و بعد از فوتش هم تمام نشریات آن زمان بعنوان چاپ معتمد مشهور شده اند.

از جمله آن مطبوعات حیوة القلوب مجلسی است که در محرم سنه ۱۲۴۰ و عین الحیوایه است که در شهر ربیع الاول سنه ۱۲۴۰ و جلاء العیون است که در شهر رجب از همان سال و حق البقین است که در شهر ربیع الاول سنه ۱۲۴۱ و جلد دوم حیوة القلوب است که در سنه ۱۲۴۱ و زاد المعاد آن مرحوم است که در تاریخ ۱۲۴۴ بطبع رسیده اند. مفتاح النبوة حاجی ملارضا همدانی در سنه ۱۲۴۰ و اشارات الاصول حاجی محمد ابراهیم کرباسی در سنه ۱۲۴۵ و قرآن مجید در سنه ۱۲۵۸ و مختارنامه در سنه ۱۲۶۱ و مبادئ العلوم استرآبادی در سنه ۱۲۶۲ و جلد دوم حیوة القلوب در سنه ۱۲۶۷ نیز در همان مطبعه سربی چاپ شده اند و از مطبوعات قدیم سربی در ایران رساله حسنیة معروف است که در سنه ۱۲۴۴ و سئوال و جواب حاجی محمد باقر حجة الاسلام است که در سنه ۱۲۴۷ هر دو در شهر اصفهان چاپ شده اند.

بعد از تبریز و طهران و اصفهان شهر رضاییه (ارومیه) نیز قدیمترین شهر است که ۹۵ سال قبل (۱۸۴۰) از این يك دستگاه مطبعه سربی در آنجا دایر گردیده و اولین مطبوعهش نسخه زبور بزبان قدیم سریانی است که سر فصل های آن بامر کب قرمز طبع شده است و یکی دیگر از مطبوعات آنجا جریده «زاریری دی

بأهرا» میباشد که از روز چهارشنبه اول ماه ژانویه سنه ۱۸۵۱ مسیحی موافق ۲۷ شهر صفر سال ۱۲۶۷ تا کنون ماهانه مرتباً از طرف جمعیت امریکائی‌ها انتشار یافته و الحال ۸۵ سال از عمر آن میگذرد.

اما تاریخ تأسیس مطابع سنگی در ایران بعد از تاریخ تأسیس مطابع سربی و نشریات سنگی تبریز قبل از مطبوعات سنگی طهران است و از جمله مطبوعات اولیه آن شهر حیوة القلوب جلد اول است که در سنه ۱۲۴۰ و جلد دوم آن کتاب است که در سنه ۱۲۴۱ و بوستان سعدی است که در سنه ۱۲۴۷ و محرق القلوب فاضل نراقی است که در سنه ۱۲۴۸ و قرآن و زادالمعاد است که هر دو بخط میرزا محمد حسین خوشنویس تبریزی در سنوات ۱۲۴۸ و ۱۲۵۱ با کمال نفاست بطبع رسیده در آخر زادالمعادش چنین رقم شده است: «بنده درگاه محمد صالح بن حاجی باقر خان شبرازی که بحکم ماموریت بولایت روس رفته بود صنعت انطباع جدید را در آن ملک دیده و اساس آنرا بدار السلطنه تبریز حمل و نقل نموده دارالطباعة قرار داد و فیصل مهم آنرا بکفایت عالیشان آقا علی بن مرحوم حاجی محمد حسین الشهیر و امین الشرع تبریزی واگذار نمود که رفیق جانی بود... حرة محمد حسین بن میرزا محمد تبریزی غرة شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۵۱.»

حاجی محمد حسین امین الشرع مزبور دو پسر داشته است آقا علی و آقا رضا و این یکی نیز دو پسر داشته است آقا محمد حسین و اسد آقا که هر چهار تن ایشان صاحب مطبعه بوده و بهترین مطبوعات سنگی ایران در مطبعه آنان چاپ شده است. اسد آقا نیز يك پسرى دارد که فعلاً در تبریز مشغول عمل طبع است و الحال بیشتر از صدسال میباشد که این خانواده بمطبعه و مطبوعات ایران خدمت کرده و میکنند. و از جمله مطبوعات تبریز قرآن مجید بخط میرزا شفیع معروف و زیارت عاشوراء و علقمه بخط میرزا احمد خوشنویس است که بشکل طومار هر دو در سنه ۱۲۵۵ و کلیات شیخ سعدی و تاریخ جهان گشای نادر شاه است که هر دو بخط میرزا تقی خوشنویس در سنوات ۱۲۵۷ و ۱۲۶۰ و کلیات خواجه حافظ در سنه ۱۲۵۸ و کلمات قصار حضرت علی ع با ترجمه منظوم پارسی است که در سنه ۱۲۵۹ و برهان جامع میرزا عبدالکریم ملا باشی بخط برادرش میرزا رضاست که در سنه ۱۲۶۰ و

تقویم رقمی استخراج میرزا تقی منجم اهری و الف لیله بخط میرزا علی خوشنویس است که در سنه ۱۲۶۱ چاپ شده اند. این کتاب اخیر ترجمه میرزا عبداللطیف طسوجی است که در سنه ۱۲۵۹ بامر بهمن میرزا در تبریز از عربی به پارسی تبدیل یافته و بجای اشعار عربی آن میرزا سر و شاعر اشعار پارسی بنظم آورده است. اما عربی آن که اولین مرتبه در سنه ۱۲۵۱ در بولاق مصر در دو جلد چاپ شده بهترین مطبوعات آن کتاب است و آن مجموعه عبارت از قصه های مسلسل مختلفی میباشد که در اوایل اسلام در بغداد و مصر بهم تلفیق شده و شاید قسمتی هم از قدیمترین حکایات ایرانی که بعنوان هزار افسانه معروف بوده است در این مجموعه باقی مانده است. در باب تتبع و تحقیق در این خصوص بفرست های شوین «Chauvin» فرانسوی و مقدمه کر مسکی «Kinsky» رجوع شود. اخیراً این کتاب از طرف دهقان اصفهانی بعنوان هزارستان بنظم آورده شده و آن نیز چاپ شده است. یکی دیگر از مطبوعات تبریز جنات الخاود بخط میرزا عباس پسر میرزا شفیع تبریزی است که در سنه ۱۲۶۱ چاپ شده و آن کتابی است تقویم مانند مشتمل بر خلاصه آثار متعلق بچهارده معصوم و مختصر تواریخ خلفای بنی امیه و عباسیه و تعداد ایام متبر که و اعیاد مشهوره و عرض و طول بلاد و امصار و غیر آنها و از جمله تالیفات محمد رضا بن محمد مومن متخلص بامامی خاتون آبادی است که بعد از تالیف تفسیر خزائن الانوار در سال ۱۱۲۵ موافق لفظ جنات الخاود بنام شاه سلطان حسین صفوی شروع بتالیف نموده و در سال ۱۱۲۷ فراغت از آن حاصل کرده است.

قواعد پارسی میرزا عبدالکریم ایروانی در سنه ۱۲۶۲ و منشآت میرزا مهدی خان نادر و ابواب الجنان در سنه ۱۲۶۳ و مثنوی مولانا جلال الدین معروف به رومی در سنه ۱۲۶۴ و کلیات انوری در سنه ۱۲۶۶ و جهان نما ترجمه فلوغون رفائل که بخط جرحه شاعر در سنه ۱۲۶۷ بامر امیر کبیر در تبریز چاپ شده و کتاب ادعیه و تعقیبات نماز بخط فاطمه خانم خوئی با ترجمه فارسی آن بخط ساغر مرندی که در سنه ۱۲۶۹ و دیوان عاجز گرم رودی در سنه ۱۲۷۳ و کلیات شیخ سعدی در سنه ۱۲۶۴ و شاهنامه فردوسی در سنه ۱۲۷۵ و دیوان ناصر خسرو و منتخبات غزلیات شمس تبریزی در سنه ۱۲۸۰ که هر چهار نسخه بخط خوشنویس شهیر عسکر خان اردوبادی است از جمله مطبوعات

سنکی تبریز میباشند و از تفاسیر مطبوعات سنگی آنجا جمل التوار یخ و ترجمه حال جوهری صاحب صحاح اللغة تالیف میرزا سنگلاخ و تذکرة الخطاطین آن مواف در سه جلد میباشد. که هر پنج جلد آنها بخط میرزا محمد علی پسر میرزا شفیع خوشنویس در سنوات ۱۲۸۳ و ۱۲۹۵ طبع رسیده است و رسائل ثلاثه مداد الخطوط میر علی و منظومه صراط السطور سلطانعلی و آداب المشق میر عماد نیز از ضمایم مجلد اخیر تذکرة الخطاطین هستند.

از مطبوعات مهمه تبریز اولین روزنامه آنجاست که در هر یازده روز و گاهی در یکماه شماره ای از آن در چهار صفحه بنامین: اخبار دارالسلطنه آذربایجان، روزنامه وقایع شهر مملکت محروسه آذربایجان، روزنامه ملتی مملکت آذربایجان. و غیر آنها مشتمل بر اخبار آن ایالت در حدود سال ۱۲۷۵ تاسیس یافته است که نمرات عدیده از این روز نامه دیده و دارم. در شماره ۴۱ مورخه غره رجب ۱۲۵۸ مینویسد: «چون بجهت تحریر روزنامه وقایع اتفاقیه مملکت آذربایجان نویسنده امینی لازم بود تعیین شود لهذا میرزا علی منشی نظام بحکم شاهزاده اعظم مامور این خدمت گردید» و در شماره یک مورخه شهر ذی الحججه الحرام سنه ۱۲۸۲ مینویسد: «محمد طاهر میرزا پسر مرحوم اسکندر میرزا که در سنه ماضیه اوت نیل مامور حکومت قراجه داغ بود امروزها احضار تبریز شده و چند روز است وارد تبریز گردیده است» از آخرین شماره این روز نامه اطلاعی در دست ندارم و باغایب احتمال تا اواخر سال ۱۲۹۰ و یا ۱۲۹۶ چاپ شده و در این تواریخ کلمه آذربایجان بلفظ تبریز تبدیل یافته و مدتی هم باین عنوان انتشار یافته است و باید دانست که این دو جریده موسوم بآذربایجان و تبریز غیر از آن روزنامه های آذربایجان و تبریز است که در اوایل مشروطه در تبریز طبع و نشر شده است.